

گفت و گوی محر می با مداح جوان محله «جهان آرا»

شرکت کند مداح نباید در هر محفلی

اخلاق و رفتار
نوکر امام
حسین (ع)
باید توأم با
تواضع باشد.
رفتارهای
نامناسب
یک مداح
اثر سوء دارد
و مورد پسند
اهل بیت
نیست



معصومه فرمانی کیا - به خاطر اینکه فعالیت های فرهنگی و کار اجرا را دوست داشته، مدیریت فرهنگی خوانده است. امین غفاری با تجربه خوبی که از روایتگری در ایستگاه «دل های بی قرار» کوهسنگی و اجرای مداحی و فعالیت های فرهنگی در حسینیه «شهید شعبانی» دارد، می تواند مخاطب خوبی برای گفت و گوی این هفته باشد. او متولد ۱۳۶۷ است و اهل محله «جهان آرا».

«اولین حسی که از شنیدن نام محرم سر اغتان می آید چیست؟»

به اعتقاد و باور من همه روزهای خدا خوب و مهم هستند، اما محرم در این میان ویژه است. اگر سخنران، مداح و منبری خوب عمل کند، این مکتب درس های زیادی برای آموختن دارد و مثل باطری می ماند که آدم را دوباره شارژ می کند. به عبارتی محرم آغاز سال و تولدی جدید است که می تواند تحولی تازه برای هر شخص باشد.

«اوضاع و احوال محله تان را در این ایام وصف می کنید؟»

خوشبختانه محله ای که مادر آن زندگی می کنیم، شهید پرور است و بسیاری از مادران، فرزندان شان را پای روضه امام حسین (ع) شیر داده اند و بزرگ کرده اند و برخی هایشان هم سعادت و افتخار خانواده شهید بودن را دارند و این حس و حال در بیشتر محله های ما برقرار است و بودن در کنار این خانواده ها و افراد نمی تواند بی تاثیر باشد. محرم در محله ما مثل خیلی از محله های دیگر با سیاه پوشی و برگزاری مراسم روضه شروع می شود. نقطه قوت این فعالیت ها در حسینیه شعبانی است که کانون فعالیت های فرهنگی و مذهبی زیادی بوده و حال و هوای خاص و تماشایی ای دارد. این را هم عنوان کنم که محله ما محل تجمع هیئت های زیادی است؛ هیئت های شناخته شده ای مثل «محبان حسین (ع)»، «جان نثاران حسینی (ع)»، هیئت زنجیر زنی «عاشقان حسینی»، هیئت «محبان حضرت ابوالفضل»، «هیئت رهپویان ولایت» و... که ظهر تا سواحل در مسجد «امام محمدتقی» جمع می شوند.

«چطور شد که به وادی مداحی و خواندن وارد شدید؟»

موضوع نکته ای که عنوان کردید شاید به قول خیلی ها برگردد به ایام کودکی و دورانی که علاقه شدیدی برای خواندن و مجری گری داشتم. در خیلی از مراسم های خانوادگی و مدرسه دوست داشتم دعاها را قرائت کنم و این علاقه از طریق فعالیت در پایگاه بسیج مدرسه و دانش آموزی ادامه پیدا کرد تا دوران دانشگاه. از سال ۸۲ وارد حوزه های دانشجویی شدم و در کنار آن در برخی از برنامه ها مجری گری را انجام می دادم. از سال ۸۴ باره اندازی و پا گرفتن پایگاه مسجد «امام محمدتقی (ع)» وارد این حوزه شدم.

«برای مداحی باید صدای خوب داشته باشید؟»
در هر کاری عشق به همراه تخصص لازم است. شاید یکی از الطاف خدا در حق من این بوده که به قول شما صدای خوبی داشته باشم و در وادی

خواندن بتوانم موفقیت حداقلی کسب کنم؛ اما لازمه اصلی تداوم و ادامه دادن آن عشق به این کار است.

«شما عنوان کردید علاوه بر داشتن صدای خوب در جایی زندگی می کنید که محله اش زمینه پرورش استعدادات را فراهم کرده است.

بله! وجود این هیئت ها و حضور در پایگاه «شهید شعبانی» که نوجوان ها و جوان هایی مثل خودم حضور دارند، موقعیت بسیار سازنده ای را فراهم آورد.»

«معیارهای پذیرفتن حضور در مجالسی که دعوتتان می کنند چیست؟»

به این موضوع اعتقاد دارم که حضور و شرکت در مجلس امام حسین (ع) سعادت می خواهد و حتی اگر بخواهم و بتوانم در این مجالس بخوانم و مداحی کنم، آن را به حساب دعوت امام می دانم. من ایمان دارم اگر امسال از من برای مداحی دعوت شده است، روی همین حساب توفیق است، اما معمولاً مراسمی را می پذیرم که فکر کنم اجرای برنامه و مداحی روی آن ها تأثیرگذار است.

«مکتب زندگی یک مداح و نوکر امام حسین (ع) باید چگونه باشد؟»

اخلاق و رفتار نوکر امام حسین (ع) باید توأم با تواضع باشد. رفتارهای نامناسب یک مداح اثر سوء دارد و مورد پسند اهل بیت هم نیست.

«شما به منبری ای که می خواهد در جلسه شما سخنرانی کند، اهمیت می دهید؟»

بله! بسیار مهم است؛ سخنران باید منبری ای شایسته باشد. به نظر من مداح نباید در هر جلسه و هر محفلی شرکت کند و انتخاب منبری باید به گونه ای باشد که مطالب را انتقال دهد. هم مداح و هم منبری باید ولایی باشند.

«اینکه بعضی ها می گویند مجالس ما گریه کن حرف های ندارد؛ گریه کن حرف های یعنی چه؟»

ببینید بعضی از اصطلاحات، تازه باب شده است؛ شبیه همین حرفی که شما زدید. بسیاری از مجالسی که من شخصاً در آن حضور می یابم، مربوط به نوجوانان است. یک نفر که پایش تازه به هیئت باز می شود، فرق می کند با کسی که سال ها هیئت بوده و یک پایش همیشه در هیئت است. نوجوانی که دفعه اول وارد مراسم و مجلس امام حسین (ع) می شود، باید حس حسینی را پیدا کند. در این جا این اصطلاحات بی معنی است.

«رابطه تان با نوجوان های محله چطور است؟»

خودم به شخصه خیلی سعی کرده ام در این رابطه کم نگذارم و غالب برنامه ها و برگزاری مناسبت ها با کمک آن ها برگزار می شود. سیاه پوشاندن حسینیه «شهید شعبانی»،

برگزاری مراسم های دعا و ذکر مصیبت از این جمله است. به کمک همین نوجوان ها هر شب قبل از سخنرانی در حسینیه، یک قسمت از کتاب مهدی شجاعی قرائت می شود.

«اگر فضای هیئت ها و مداحی ها را در محله آسیب شناسی کنید، چه نکاتی به نظر تان می رسد؟»

سعی کرده ایم خیلی از این آسیب ها را نداشته باشیم؛ به عنوان مثال کم اهمیت نشان دادن نوجوان ها و جوان ها و بزرگ کردن دیگران، باورمان بر این است که پای هر کس که به مجلس امام حسین (ع) باز شود، محترم است و بزرگ و کوچک ندارد.

«نظر شما درباره فضای رقابتی ای که بین خیلی از هیئت ها وجود دارد چیست؟»

رقابت بد نیست و خیلی وقت ها باعث پیشرفت می شود. موضوع آسیب رسان و آزاردهنده که در برخی از مواقع دچار آن می شویم، مقایسه هاست که عزاداری ها را تحت تأثیر می گذارد؛ اینکه «فلان هیئت چند میان دار دارد؟ و ما نباید از آن ها کم بیاوریم.»

در مجلس اهل بیت هدف زمین زدن کسی نیست و شیرینی کار در انسجام و همراهی هاست.

یکی دیگر از آسیب های هیئت ها دوری از خط ولایت فقیه است.

می گویند هیئت ها را سیاسی نکنید، اما اگر هیئت ها اولویت اصلی و کاری شان بحث ولایت فقیه باشد، هیچ هیئتی دچار آسیب نمی شود.

به نظر من در مجالس فعلی ما آن بصیرتی که بایسته و لازم است وجود ندارد.

«بهترین خاطرهای که از محرم های سال گذشته به خاطر تان می آید؟»

حس و حالی که محله، شهر و خانه ها را در زمان ورود به این ماه پر می کند، همیشه برایم خاطره انگیز است و اگر چه همراه با یک حزن عجیب و وصف نشدنی است، اما همین که جوان ها و نوجوان ها خیابان ها و خانه ها را سیاه پوش می کنند و همه برای شستن ظرف و استکان های روضه پیش قدم می شوند و عاشق نوشیدن چای روضه امام حسین (ع) هستند، نشاط خاص و ماندگاری است که نمی شود از آن غافل بود.

